کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۶۴

فهرست ما فی هذا المجلد

پیش از ورود در فهرست و شرح مندرجات آن باید گفت این علم و فن که زمانی مدار علیه پادشاهان و بزرگان بوده و بجهاتی که عمده آن جهالت و نادانی است و میرود که متروک و مهجور شود ولی دانشمندان حقیقی بتأثیر اشعه و تغییر مدار کواکب و حالات آنها در همه چیز مخصوصاً سرنوشت بشر آگاه و از دقایق آن بدلالات پی میبرده و استخراجها مینموده اند که متون تواریخ پر است مجمله دو زایچه که در این مجلد است و با جزئیات آن مفتاح و نمونه و دستور جامعیست برای کسانیکه بخواهند در این فن کار کنند چه مستخرج و اهتمام با طرح جدولها و احوال سال بسال صاحب زایچه را بجزئیها استخراج و نوشته ص ۱۹ و ص

و از عجائب آنکه حسینقلیخان فرزند فتحعلیخان در حاشیه ص ۸۹ شرحی بخط خود نگاشته و صحت زایچه را صریحاً تأیید و تصدیق نموده که همه طابق النعل بالنعل واقع شده. اینک فهرست

۱- زایچه نجفقلیخان بیگلربیگی متولد در سال ۱۲۲۰ هجری قمری مورخ و مکتوب بصفر ۱۲۶۲ ص ۱ تا ۴۷

۲- زایچه فتحعلیخان بیگلربیگی متولد در شوال ۱۲۵۲ ص ۴۸ تا ۹۱

۳- یادداشت و مرقومه حسینقلیخان بن فتحعلیخان مورخ سنه ۱۳۰۱ که مهر مضی (بیگلربیگی مملکت آذربایجان) تاریخ محکوک در مهر ۱۲۹۲ میباشد در حاشیه صفحه ۸۹

صفحات جدول طلا و خطوط زایچه ص ۱ و ص ۴۹ نیز طلاست

۶۶۷۴
۸۵۶۸۷
بازرسی شد
۳۷ - ۳۶

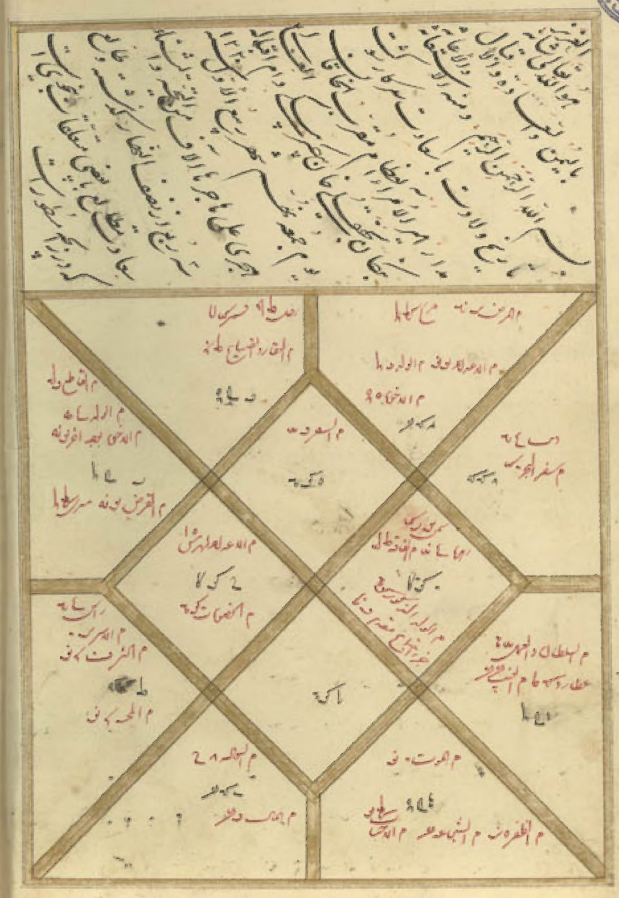

جدول مواضع کواکب در طول و عرض و فاق کواکب و توابع آنها

کواکب	کیف	عرض	اختلاف منظر	اختلاف منظر	اختلاف منظر	اختلاف منظر	مطالع مستقیم	مطالع
شمس								
قمر								
زحل								
مشتری								
مریخ								
زهره								
عطارد								

جدول مطارح شعاعات کواکب

کواکب	مقابله							
شمس								
قمر								
زحل								
مشتری								
مریخ								
زهره								
عطارد								

جدول تسيير درجة طالع

| | | |

جدول تسيير درجة أتما

ثوانى	دقائق	درجات	مسير الوسط	فاضل
١	٤	١		
٢		٢		
٣		٣		
٤		٤		
٥		٥		
٦		٦		
٧		٧		
٨		٨		
٩	٤	٩		
١٠	٥	١٠		
١١		١١		
١٢		١٢		
١٣		١٣		
١٤		١٤		
١٥		١٥		
١٦		١٦		
١٧		١٧		
١٨		١٨		
١٩	٥	١٩		
٢٠	٦	٢٠		
٢١		٢١		
٢٢		٢٢		
٢٣		٢٣		
٢٤		٢٤		
٢٥		٢٥		
٢٦		٢٦		
٢٧		٢٧		
٢٨		٢٨		
٢٩	٦	٢٩		
٣٠	٧	٣٠		

جدول تسيير درجة قمر

ثوانى	دقائق	درجات	مسير الوسط	مسير الخاص	مسير العرض	مرورات	فاضل
١	٤	١					
٢		٢					
٣		٣					
٤		٤					
٥		٥					
٦		٦					
٧		٧					
٨		٨					
٩	٤	٩					
١٠	٥	١٠					
١١		١١					
١٢		١٢					
١٣		١٣					
١٤		١٤					
١٥		١٥					
١٦		١٦					
١٧		١٧					
١٨		١٨					
١٩	٥	١٩					
٢٠	٦	٢٠					
٢١		٢١					
٢٢		٢٢					
٢٣		٢٣					
٢٤		٢٤					
٢٥		٢٥					
٢٦		٢٦					
٢٧		٢٧					
٢٨		٢٨					
٢٩	٦	٢٩					
٣٠	٧	٣٠					

جدول تسيير زحل

ثوانى	دقائق	درجات	مسير الوسط	مسير الخاص	مسير العرض	مرورات	فاضل
١	٤	١					
٢		٢					
٣		٣					
٤		٤					
٥		٥					
٦		٦					
٧		٧					
٨		٨					
٩	٤	٩					
١٠	٥	١٠					
١١		١١					
١٢		١٢					
١٣		١٣					
١٤		١٤					
١٥		١٥					
١٦		١٦					
١٧		١٧					
١٨		١٨					
١٩	٥	١٩					
٢٠	٦	٢٠					
٢١		٢١					
٢٢		٢٢					
٢٣		٢٣					
٢٤		٢٤					
٢٥		٢٥					
٢٦		٢٦					
٢٧		٢٧					
٢٨		٢٨					
٢٩	٦	٢٩					
٣٠	٧	٣٠					

جدول تسيير مشترى

ثوانى	دقائق	درجات	مسير الوسط	مسير الخاص	مسير العرض	مرورات	فاضل
١	٤	١					
٢		٢					
٣		٣					
٤		٤					
٥		٥					
٦		٦					
٧		٧					
٨		٨					
٩	٤	٩					
١٠	٥	١٠					
١١		١١					
١٢		١٢					
١٣		١٣					
١٤		١٤					
١٥		١٥					
١٦		١٦					
١٧		١٧					
١٨		١٨					
١٩	٥	١٩					
٢٠	٦	٢٠					
٢١		٢١					
٢٢		٢٢					
٢٣		٢٣					
٢٤		٢٤					
٢٥		٢٥					
٢٦		٢٦					
٢٧		٢٧					
٢٨		٢٨					
٢٩	٦	٢٩					
٣٠	٧	٣٠					

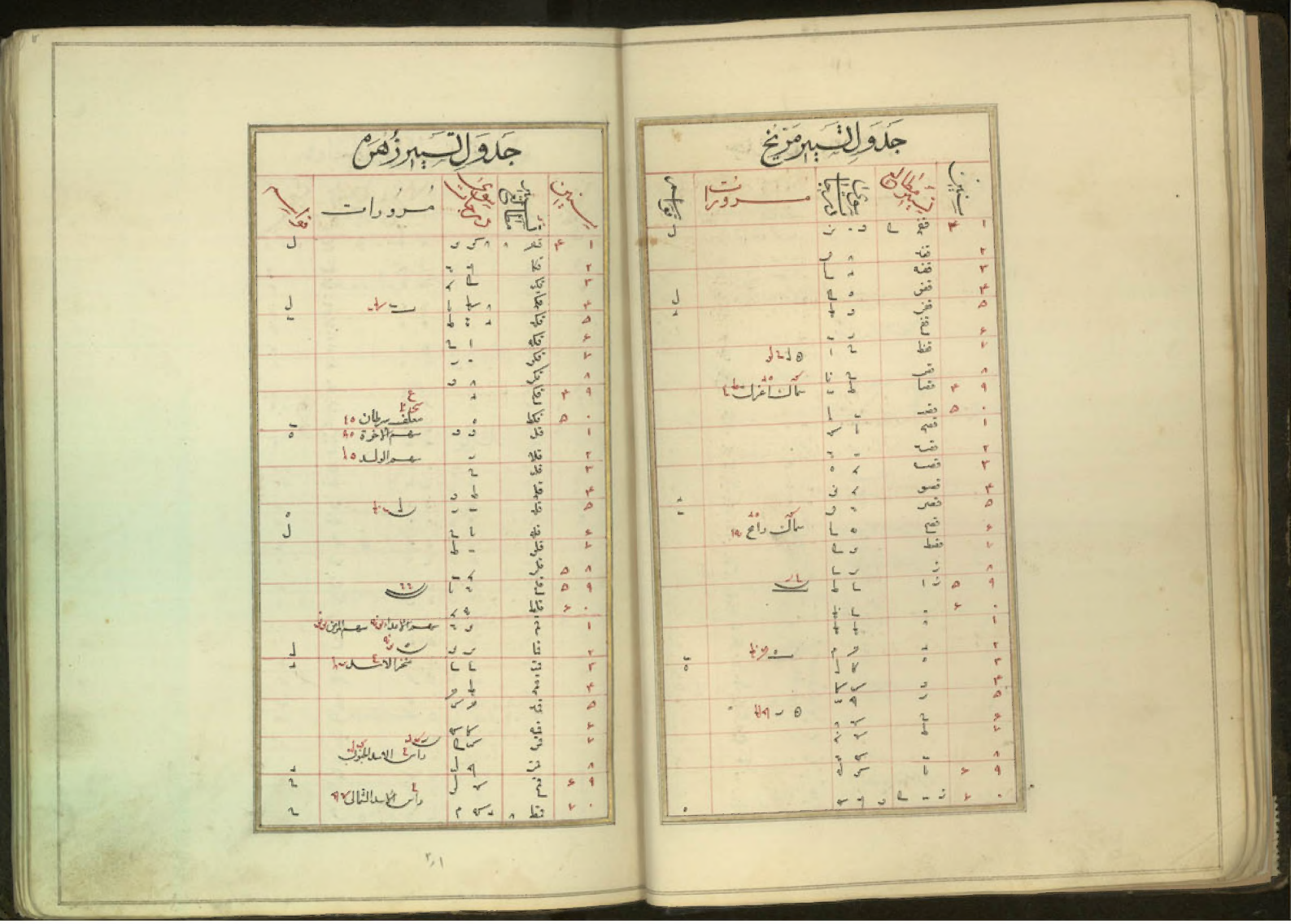

جدول تسيير مريخ

سنين		تسيير مطالع	سوى درجات	مرورات	قواسم
١	٤	قفه			ل
٢		قفه			
٣		قفه			
٤		قفض			
٥		قفز			ل
٦		قفح			
٧		قفط			
٨		قص			
٩	٤	قصا		سماك اعزل	
٠	٥	قصب			
١		قصج			
٢		قصد			
٣		قصه			
٤		قصو			
٥		قصز			
٦		قصح		سماك رامح	
٧		قصط			
٨		ز			
٩	٥	ز ا			
٠	٦				
١					
٢					
٣					
٤					
٥					
٦					
٧					
٨					
٩	٦				
٠	٧				

جدول تسيير زهره

سنين		تسيير مطالع	سوى درجات	مرورات	قواسم
١	٤	قهر			ل
٢		قكا			
٣		قكب			
٤		قكج			ل
٥		قكد			
٦		قكه			
٧		قكو			
٨		قكز			
٩	٤	قكح			
٠	٥	قكط		معلف سرطان	
١		قل		سهم الاخوة	
٢		قلا		سهم الولد	
٣		قلب			
٤		قلج			
٥		قلد			
٦		قله			ل
٧		قلو			
٨	٥	قلز			
٩	٥	قلح			
٠	٦	قلط			
١		قم		سهم الاعداء سهم المرض	
٢		قما			ل
٣		قمب		منخر الاسد	
٤		قمج			
٥		قمد			
٦		قمه			
٧		قمو		راس الاسد الجنوبي	
٨		قمز			
٩	٦	قمح		راس الاسد الشمالي	
٠	٧	قمط			

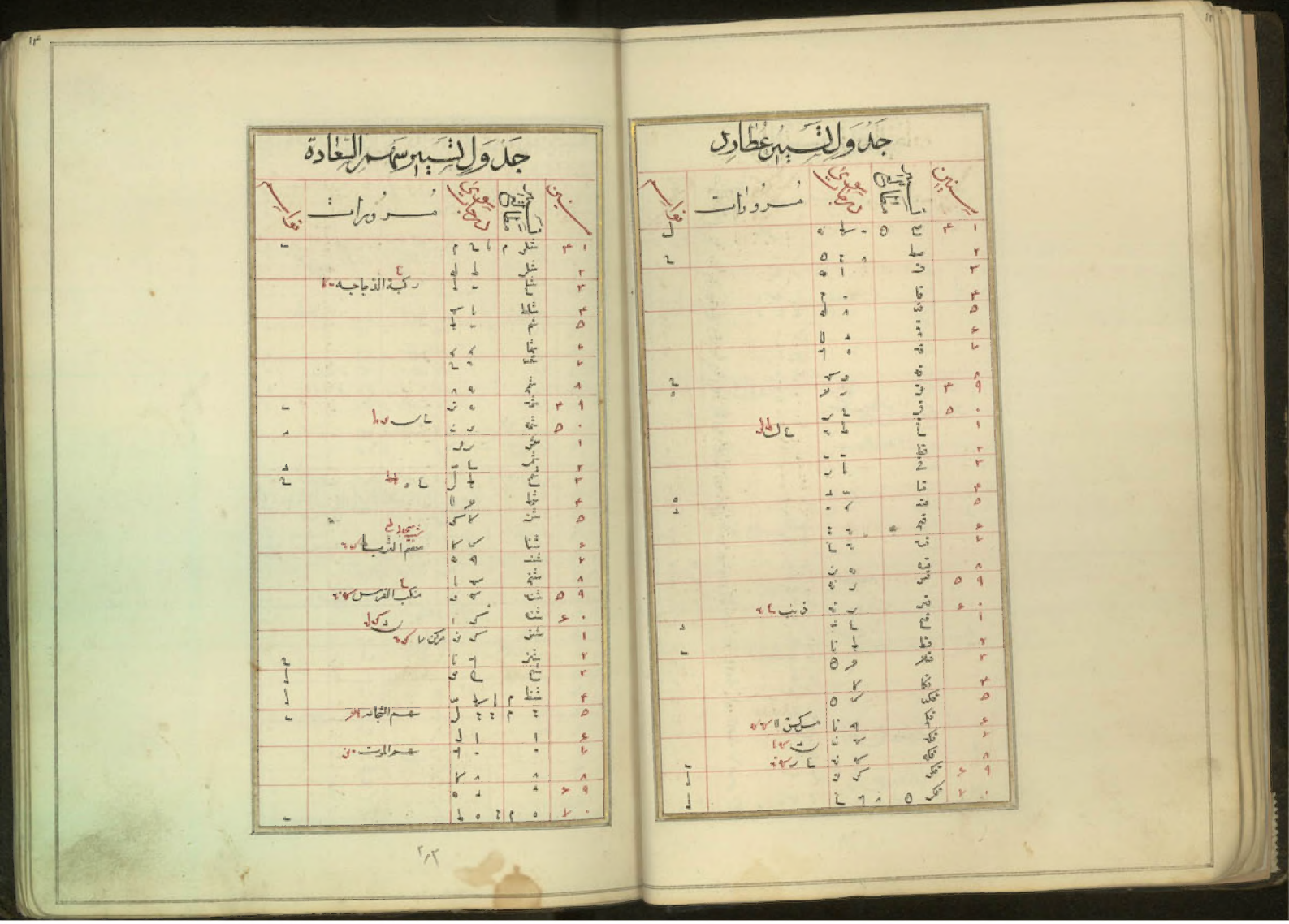

جدول تسيير عطارد

سنين	تسيير مطالع	درجات سوى	مرورات	نواسم
١	٤	[illegible]		ل
٢	[illegible]	[illegible]		ح
٣	[illegible]	[illegible]		
٤	[illegible]	[illegible]		
٥	[illegible]	[illegible]		
٦	[illegible]	[illegible]		
٧	[illegible]	[illegible]		
٨	[illegible]	[illegible]		
٩	٤	[illegible]		ح
٠	٥	[illegible]		
١	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
٢	[illegible]	[illegible]		
٣	[illegible]	[illegible]		
٤	[illegible]	[illegible]		
٥	[illegible]	[illegible]		ه
٦	[illegible]	[illegible]		
٧	[illegible]	[illegible]		
٨	[illegible]	[illegible]		
٩	٥	[illegible]		
٠	٦	[illegible]	ذنب [illegible]	
١	[illegible]	[illegible]		د
٢	[illegible]	[illegible]		ب
٣	[illegible]	[illegible]		
٤	[illegible]	[illegible]		
٥	[illegible]	[illegible]		
٦	[illegible]	[illegible]	مسكن [illegible]	
٧	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
٨	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
٩	٦	[illegible]		ل
٠	٧	[illegible]		ل

جدول تسيير سهم السعادة

سنين	تسيير مطالع	درجات سوى	مرورات	نواسم
١	٤	[illegible]		ب
٢	[illegible]	[illegible]		
٣	[illegible]	[illegible]	ركبة الدجاجة [illegible]	
٤	[illegible]	[illegible]		
٥	[illegible]	[illegible]		
٦	[illegible]	[illegible]		
٧	[illegible]	[illegible]		
٨	[illegible]	[illegible]		
٩	٤	[illegible]		ب
٠	٥	[illegible]	[illegible]	د
١	[illegible]	[illegible]		
٢	[illegible]	[illegible]		د
٣	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
٤	[illegible]	[illegible]		
٥	[illegible]	[illegible]		
٦	[illegible]	[illegible]	معصم الثريا [illegible]	
٧	[illegible]	[illegible]		
٨	[illegible]	[illegible]		
٩	٥	[illegible]	منكب الفرس [illegible]	
٠	٦	[illegible]	[illegible]	
١	[illegible]	[illegible]	مركز [illegible]	
٢	[illegible]	[illegible]		ح
٣	[illegible]	[illegible]		ل
٤	[illegible]	[illegible]		ل
٥	[illegible]	[illegible]	سهم الشجاعة [illegible]	ب
٦	[illegible]	[illegible]		
٧	[illegible]	[illegible]	سهم الموت [illegible]	
٨	[illegible]	[illegible]		
٩	٦	[illegible]		
٠	٧	[illegible]		ب

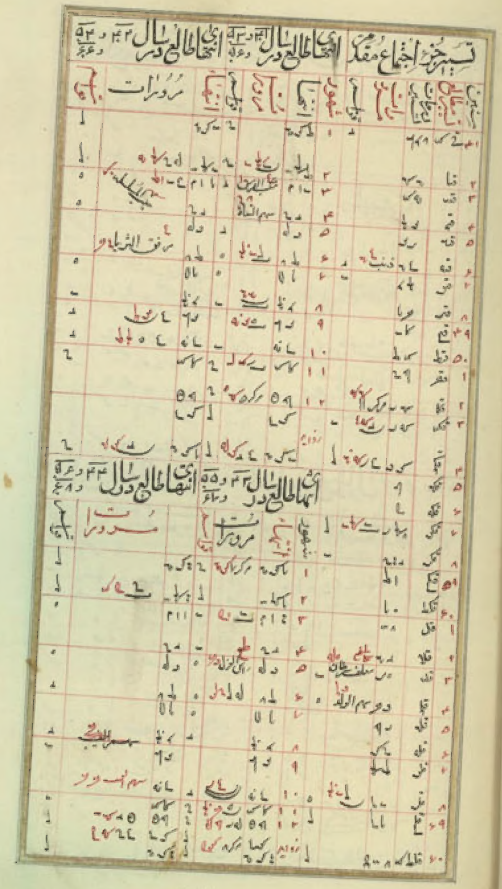

احکام آنچه طالع میمون موافق اشادن درجهٔ عاشر باید یعنی از جوزا
که از قدر اول ثوابت است در مزاج زحل و مشتری دلیل است بتوانگری
و مال بسیار و ضیاع و عقار و عمارات کثیره و بلند و مکرم و معزز بودن میانهٔ
مردم و موافق اشادن درجهٔ مصحح آفتاب و ناظر حارث خود با زحل
یسری از کواکب جوزا که از قدر اول ثوابت است بمزاج مذکور دلیل
احکام مسطوره و مؤید انهاست باز موافق اشادن درجهٔ آفتاب کف
یسری از کواکب جوزا که از قدر دوم است بمزاج مریخ دلیل حکومت
و فرمندی و دانایی کارهای بزرگ نامی و دلیری و موافقت درجهٔ قمر با
سماک اعزل که از قدر اول است بمزاج زهره و عطارد دلیل معروفی
و شهوری و غنا و احترام در ذات کوچی و خوش ذهن اغانی و حاضر جواب
و ثبات مودت و محبت و موافقت سهم السعادة با نسر واقع که از قدر دوم
است بمزاج زهره و عطارد دلیل معروفیت و شهرت و سعادت دارین
و ترقی بسیار و بالجمله بودن این کواکب را باطالع و عاشر و خیرین و سهم السعادة
دلیل اختیار و اقتدار در رای و تدبیر و سلط نوشته اند و از کواکب

سیاره مؤید این احکام بودن آفتاب است مقارنه سعد اصغر در برج وسط
السماء و بودن صاحب مثلثهٔ نخستین آفتاب ماهین اول و نیمهٔ برج
دلیل است که صاحب مثلثه را نچه صاحب ولایت و اخوان و اتباع
و انصار و کتاب و خدم و مشهور و بعید الصوت بود و قوت مستولی
صاحب دوم و مقارنت سهم السعادة با سهم المال مثلث زحل با زهره
و تثلیث سهم السعادة با آفتاب و تثلیث یزدین و سایر شواهد دلیل توانگری
و کثرت مال و پی آسیاپی و وسعت معیشت و بودن برج دوم
منقلب و صاحب سهم المال در برج منقلب دلیل است که مال نماند و هرچه
آید زود رود و اسراف و اتلاف بسیار باشد و نظر عداوت میان
صاحب طالع و صاحب سیم و همچنین میان سهم الاخوة و صاحب طالع
دلیل است بر پی موافقی اقارب و اخوان و سعود بودن خانهٔ سیم بر شری
دلیل است که در سفر زر و سیم بخیر و خوبی گذرد و خوشی و آسایش روی
دهد و قوی بودن مستولی بر خانهٔ چهارم و نظر میان صاحب طالع و صاحب
برج چهارم و صاحب چهارم و بودن زحل بتربیه و در دوم بر جیس با سهم العقار

انتهای طالع در سال ۳۴ و ۵ و ۱۶ و ۱۲ | انتهای طالع در سال ۳۴ و ۶ و ۱۶ و ۱۲

	نهایت	المرورات		نهایت	المرورات
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					
۹					
۱۰					
۱۱					
۱۲					
زوایا					

انتهای طالع در سال ۳۴ و ۹ و ۱۶ و ۱۲ | انتهای طالع در سال ۳۴ و ۱۰ و ۱۶ و ۱۲

	نهایت	المرورات		نهایت	المرورات
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					
۹					
۱۰					
۱۱					
۱۲					
زوایا					

انتهای طالع در سال ۳۴ و ۱۱ و ۱۶ و ۱۲ | انتهای طالع در سال ۳۴ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۲

	نهایت	مرورات		نهایت	مرورات
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					
۹					
۱۰					
۱۱					
۱۲					
زوایا					

وبعضی شواهد از کواکب ثابته دلیل بسیاری ضیاع وعقار ومنفعت یا قلیل از ایشان
وتعمیر بقاع وکار یزدان وحجت صاحب این خانه دلیل است که منافع بسیار دارد
نماند ودلایل خانه پنجم دلالت دارند بسیانه فرزندی وتاچار نفرماید
اولاد میرسد وسعود بودن صاحب پنجم دلیل است که تلف اولاد کم
باشد وبودن سهم النهاوه در این خانه دلیل سلامتی اولاد است ودلالت
بیت المرض دلالت کنند که اکثر اوقات مزاج بری ازامراض وسقام
باشند واگر جایا تغیر مزاج روی دهد زود بسلامتی انجامد وبودن
سهم المرض در برج آتشی دلیل است که بعضی اوقات از گرمی وخشکی دچار
عارضه تغیر مزاج وقوع یابد لیکن چون سهم المرض ناظر است بزهره وصاحب
برج خود به تسدیس دلیل است که در امراض عارضه بسیار خطره نباشد
ودر عاقبت بمزاج خود بی تبدل یابد وچون مسعودی بیت المرض زحل است
از بلغم بتبدل مزاج متصور است لیکن قوت عارضه زحل وبودن او در طالع که
خود بری از نحوس دلیل تخفیف وسلامتی است واز غلبه که محدث بواسیر باشد
اجتناب خوب است ودلایل خانه ششم دلالت دارند که خدام ومنافع

نوکران بنده وبنده تمام دارند واز بنده بهره مندی چه حاصل شود ومنفعت چنین آنها
سهم شکایه زیادتر از اجاب وبهتر است وتلف انها کمتر از اینها بسبب آنکه
صاحب ششم قوی تر از صاحب خانه دوازدهم است وصاحب خانه از آن
برج مخموس است وحجت صاحب هفتم ومقابله صاحب طالع با آن وسایر
شواهد دلیل است که خاصها اتفاق افتد وغالبا خصم مغلوب گردد
وازشرکت فاید ومتصور نشود وبسا باشد که شرکا بعام خصم مغلوب گردند
ومقهور شوند بعضی خصوم از خاصه پشیمان باشند وغالبا خصوم از اشراف باشند
باشند نه از اراذل یا ترقی وبودن صاحب خانه هشتم قوی حال وسعود
بنظر سعدین دلیل است که از آفات وخوف وخطر ایمن باشند ودلیل
مکروه وبدن از اقارب موجود است وازمواضع بلند وجایکه مظله
سباع باشد اجتناب فرمودن بهتر است وهمچنین از لگد ستور خصوصا
در غربت ودلایل خانه سفر دلالت دارند که سفر بسیار کم اتفاق افتد
واکثر اوقات سفرهای خوب اتفاق افتد ودلیل سفر بموی مزارات متبرکه نیز
موجود است واحتمالی است که در بعضی سفرها مال بسرقت تلف شود لیکن اندک

وعده بعضی اسفار با هرایا با اهل سلاح عداوت اتفاق می‌شد و بدون
سهم ابیب با عطارد و در خانهٔ نهم دلیل است بدین خوابهای راست و دین
تغیر درست و دلایل خانهٔ دهم دلالت کنند که عزت و جاه و رفعت
سلاطین بیشتر باشد و بعضی اوقات بخلافت و ایالت سرافراز باشند سیاد اوجز
و اواسط عمر و باشد که از تکلیف بعضی محکومتها ابا و امتناع نمایند و از بعضی
محکومتها عذر بیاورند کشیدن هم متصور است و دلایل خانهٔ یازدهم دلالت
دارند که دوستان صادق اندک داشته باشد و بسبب بعضی دوستان متضرر
شدن هم متصور است و بودن ذنب در خانهٔ عاشر دلیل است بر اینکه
وفاق بعضی حجاب و بودن صاحب این خانه در خانهٔ دوم دلیل است بر
منفعت یافتن از مال سلطانی و حصول امید با و معاونت دیدن از خوانین و
و از دلایل خانهٔ دوازدهم چنین مستنبط میگردد که دشمنان وجود او را پیوسته
باشند و پنهان همیشه مکر و حیله جویند و از اقارب هم دشمنان باشند و در
مقیم و ثابت شوند و لیکن بسیار شهر شوند و بسفر نروند و بودن آفتاب
با مریخ که صاحب سیم است و پیوستگی روشنی که هر کس با سیارهٔ ثانی عشر آفتاب باشد

دشمن او از سادات و علویان بود و همچنین نوشته که اگر مسئول بر دلایل
اعدا صاحب بیت الاخوه باشد دشمنان او از خویشان یا برادران باشند

احکام تسیر و تد طالع از ابتدای سال چهل و یکم شمسی از اول عمر شریف صاحب زایچه
گذشته که وقت رسیدن آفتاب است بثانزده و رتبه و هفت دقیقه جوزا
مواقی اول جمادی الثانیه سنه ۱۲۶۱ هجری تا مدت یکقران که عبارت از سی
سال شمسی است با و تا دار بعه و کواکب سبعه و سهم السعاده و جزء اجتماع مقدم
بر تولد را تسیر رانده احکام آیه را از رسیدن تسیرات بمواضع سعود و نحوس
باملاحظهٔ دلایل وقت تولد و سایر شواهد بذهن قاصر فکر فاتر است بثانزده
و در این چند ورق ثبت نمود و بالله التوفیق باید دانست که سالهای که
در فن باحکام مذکور میشود سال شمسی است نه قمری و اوایل سالهای تسیر وقت
رسیدن آفتاب است بثانزده درجه و هفت دقیقه جوزا باید احکام مذکوره را
بر این سالها اعتبار فرمایند العلم عند الله از اول سال چهل و یکم شمسی از عمر که روز شنبه
غرهٔ جمادی الاخری سنه ۱۲۴۱ هجری است تا حمل نجاهم شمسی از عمر مولود که شنبه تاسع
درجات تسیر و تد طالع مریخ است و چون مریخ در صورت طالع قوی حال افتاده بود

دلالت کند در اینوقت بر زیادتی تسلط و اقتدار و قهر و غلبه و اجتماع مردم
و اهل نظام بر او در ریاست با و اعادون خاصها و غلبه کردن بدشمنان و
کشتن بسیاری و بسیار و جرئت در تثبیت امور و اتمام اعمال و راندن از وطن
و اختلاط جنس با اهل سلاح و میل مزاج شریف بحرارت و چون در صورت
زایچه مشتری که صاحب چهارم و هشتم است منحوس بود بتربیع مریخ و مریخ در خانهٔ
دوازدهم ممکن است که در اینوقت بعضی املاک و محصولات را از تصرف
مانند آتش یا برق و صاعقه یا اهل لشکر یعنی دشمنان آفتی رسد و چون این انتقال
در وقت تولد بنظر قبول نموده است مضرت بسیار نخواهد بود و ممکن است
که ضرر خیلی بجسم و اعضاء و شکم عاید گردد و بعضها از اخوان خود آزرده شود
و اختلال تام بدن از حرارت یا زخم متصور است که عبارت از قصد است زخم
و اورد هم بسبب وفق خون و رفع حرارت و دفع تالم از بدن مخصوصا در اوایل
سال چهل و دوم عمر که عبارت از جوزا و سرطان سال مسطور است بعلت آنکه
دران اوقات تسیر طالع از برج میزان ببرج عقرب منتقل میشود و اشعهای طالع
تولد بمقابلهٔ مریخ در صاحب طالع اهل و طالع تحویل که عطارد است در برج اسد

قران میکند اما چون در اوقات مسطوره تسیر هیلاج اول که آفتاب است
در حد مشتری است و نزدیک بتثلیث مشتری و تسیر قمر نزدیک جرم مشتری
و عطارد و در وقت قران مریخ ناظر بعدین و سهم السعاده در وقت تحویل
در برج ششم از غلبهٔ این سعود مستبط میشود که زخم یا تغیر مزاج پیش خواهد
نداشته باشد و در عقرب همان سال که چهل و دوم عمر باشد اشعهای طالع
بدرجهٔ طالع مرتفع الثریا میرسد که ثابته نحس است و در میزان آن سال
عطارد و در برج میزان که دوم طالع اهل است بمریخ منحوس گشته که بعد از
آن در همان برج محترق میشود و در حمل همان سال مزبور تسیر سهم
السعاده بر کبد الدجاجه می‌رسد که شبیه کواکبه است باز احتمال
تالمی از جراحت یا عاهت دران دو وقت بنظر میرسد اما چون در جا
تسیرات اشعها در حد سعد است و عطارد در وقت احتراق ناظر است بعدین
باز خطر سیار ندارد و سنهٔ عمر سالیه دران دو وقت از ضرر بدنیه سیرات
و ضرر متوسط بنظر می‌آید و در سال چهل و دوم عمر مولود شرف احتمال کلی
بسفری قایم است که در ضمنش از زیاد جاه و شوکت و رسیدن بمراتب علیه

اصابه فرح و سرور و یافتن امید ها متصور است و در مابین سال چهل و یک
و پنجاه عمر که تسیر طالع در حد مریخ است دلایل اختیار حکمرانی قائم است خصوصا در سال
چهل و چهارم عمر که تسیر وتد عاشر بحد زهره منتقل میشود و تسیر قمر بمشتری و بحد
مشتری و تسیر مریخ بحد عطارد که صاحب خانه دهم است و چون در این مدت
که عبارت است از مابین سال چهل و یک و پنجاه عمر مولود صاحب فرد از زحل است
و در حین تولد قوی حال بود و در این سالها فکرها و تدبیرها صایب میباشد و میل بتعمیر
بقاع متزاید میگردد و چون زحل صاحب خانه پنجم است دلیل است بر مسرت
و فرح از قبل اولاد بلکه بحصول فرزند و رسیدن اخبار و هدایای خوب
و در جوزای اول سال چهل و سیم تسیر زحل که کدخداست بکفه جنوبی میزان میرسد
که در طبیعت زحل و عطارد است و ثابته نحس است احتمال میرود که مضرتی ببدن
از طبیعت زحل برسد از قبیل سردی و خشکی یا بلغم یا افتادن از جای و اشیای
شبیه اینها باشد اما از این نحوست بسیار خدشه متصور نیست بجهت اینکه
دلایل سعد غالب است از آنجمله بودن تسیر هیلاج اول که آفتاب است در حد
مشتری و تسیر هیلاج دوم که قمر است نزدیک بقران مشتری و صاحب طالع تولد مقارن

مشتری و صاحب طالع تحویل ناظر مشتری بنظر قبول و در خوف سال چهل و سه تسیر آفتاب
بتربیع قمر می رسد و در سنبله چهل و چهار تسیر زحل بکفه شمالی میزان که ثابته نحس است
در مزاج زحل و در حمل چهل و سه تسیر آفتاب بحد زحل منتقل می شود اما مشتری ناظر است
بدرجه تسیر هر دو نیرین پس از این مساحس ضرری متصور نیست و چون درجات
تسیر و بعضی ادله دیگر در برج آبی است در اوقات مسطوره از جاییکه آب
بسیار باشد احتراز فرمودن خوب است و از اغذیه که محدث بلغم باشد مجتنب
شدن شایسته و در آن اوقات از جای بلند و دیوار شکسته حذر فرمودن
بهتر است و در دلو سال چهل و نه که تسیر ماه بقران مشتری میرسد دلیل است
بسلامتی بدن و موافقت اغذیه و چون قمر صاحب خانه یازدهم است برسیدن
آن بجرم مشتری دلیل است بحصول مطالب و امید ها بسهولت و آبادانی املاک و بقاع
و منفعت از طرف سلطان و اسوه کی و غیر از منسوبات خانه چهارم و هفتم و چون مشتری
در وقت تولد راجع بوده است از منفعتی که در مدت مسطوره از آن ممر ها برسد
دوام نخواهد نمود و در سال چهل و چهارم و چهل و پنجم عمر مولود شریف دلیل
اقبال بلندی منزلت و سرور و شادمانی از تسیر و انتها و طالع تحویل قائم است

و در سال چهل و پنجم دلیل سفر و زیادتی قدر و منزلت و اختیار و اقتدار موجود
و در آن سال بعضی ادله به بیوفایی برخی دوستان دلالت دارد و در سال
چهل و ششم عمر اندوهی پیش آید بسبب بیوفایی و دروغ فروشی بعضی دوستان
و میل طبیعت به سردی و بلغمیت و در اواخر آن سال شادی پیش آید و مزاج سالم باشد
و در سال چهل و هفتم در اوایل نزدیک باواخر سرطان تسیر آفتاب بتثلیث مشتری
میرسد و در اواخر نزدیک آخر ثور بحد مشتری میرسد دلیل است در آن سال
خصوصا در وقتین مسطورین بر ایمنی و راحت و میل بامور خیر و معاشرت با
و بزرگان و زیادتی قدر و شرافت و منزلت و بسیاری منافع املاک و در
سال چهل و هشتم در آنجمله دلتنگی در اوایل حوالی جوزا و سرطان از جهت دشمنان
یا قرض روی میدهد و احتمال تلف ستور هم هست و احتمال جراحت جزوی بعضوی
رسیدن نیز هست جراحت عضو محمول بفصد و حجامت است و چون در اوایل
و در اول همان سال تسیر آفتاب بحد مشتری می رسد امید هست که هیچ نرسد
یا چنان باشد که بسیار تالم نرساند و اواخر آن سال از اوایل بهتر است و در این
سال اکثر احکام زایچه میلاد بروز میکند و در سال چهل و نه عمر در قرب دلو ضرر متوسط

مالیه مظنون است و غیر از این در این سال چندان محذور نیست و در اوایل سال
پنجاهم در سنبله تسیر درجه طالع به سهم نحس می رسد که از موضع زحل و مریخ
استخراج میکنند و تسیر زهره در جوزای آن سال به معلف سرطان می رسد
که ثابته سحابی است و دلیل وجع سینه نوشته اند دلالت کند که در قرب
جوزای آن سال خشونتی در سینه پیدا شود و در سنبله تغیری مزاج حادث شود
از طبیعت زحل که برودت است یا از طبیعت مریخ که حرارت است یا از اختلاط
هر دو مانند خون فاسد که به بلغم فاسد ممتزج گردد و لیکن اندوهی از امور خارجیه
با تلف مال روی دهد و در همان سال در اواخر سرطان و اوایل اسد
تسیر مشتری بذنب الدجاجه می رسد و تسیر اکثر دلایل در حد سعد است همه دلالت
دارند بسلامتی و سعادت و ایمنی از آفت البته این دلایل تخفیف مدلولات نحوسات
مذکوره میکنند و اکثر این دلایل دلالت دارند برسیدن مسرتها و شادیها و آسایش
و مصاحبت با مردمان شریف و حصول مطالب و مآرب و چون از این
سال تا اواخر پنجاه و سیم یعنی از اول سال پنجاهم قاسم درجه تسیر طالع زهره است
و زهره صاحب خانه دوم و نهم و در بیت عاشر مقارن آفتاب دلیل است در این

مدت به روی و اون مسترتها و اسعود کی وضعت اهل سرور و سیل بلدات
و نکاح و اصوات و الحان و کامرانیها و سفر و رسیدن بمراتب بلند و دیدن
منافع مالیه و اتفاق افتادن سفرهای خوب و دیدن خوابهای راست
و اغلب اوقات این سالها خوش میگذرد و دلیل نیست مگر در رجا
بدانکه تیر عطارد که صاحب طالع و عاشر است و بضرب سال پنجاه و یکم
عمر بتربیع زحل می رسد و در برج سرطان و زحل صاحب نهم و ششم منقلبه
سرای برفراز شرف و تغیر مزاج و بعضی اوقات متصور است لیکن چون
قاسم و مقسم تیر عطارد و قاسم درجات تیر اهبلاج و کدخدا سعد است و تیر
مشتری به نسر طایر میرسد که ثابته سعد است بحول الله خوف و خطری نیست
بعضی دران سال به بعضی غلامان و منوبان آفت رسد یا از طرف سلطان یا ارباب
اخبار موحشه اند و هناک باشند دران سال از جایها نروند و دیوار نگذرند
و اغذیه لطیفه و سودا و به دارند و از ستوران سرکش اجتناب فرمودن مزاوار است
و احتمال نصف سوم دران سال قایم است دیگر آنکه در رجعی سال پنجاه و سوم
تیر آفتاب که اول اهبلاجات است بمقابله سرطان میرسد و در زحل چون
[illegible]

[illegible] ان تیر جزء اجتماع مقدم که از جمله میلاجات است به تربیع قمر می رسد
و در دوران سال تیر جزء اجتماع از خانه مشتری بخانه زحل منتقل میشود لیکن تیر
آفتاب و تیر که خداوند [illegible] سعد است و نکبت تیر قمر در خانه
سعد و مشتری بتیر جزء اجتماع ناظر است و اشعای طالع بشعاع سعد خواهد رسید
اینها به دلیل سلامتی و دافع مناحس انهاست بتحمل خوشی باشد دیگر در سینه
پیدا شود یا رعدی در چشم بظهور آید اما خوف نبود و نیکذارد که مستفرغ باکیر باشند
اگر خدانکرده حادثه باید زود و بسلامت منتهی گردد و در ادبار همان سال که
پنجاه و پنجم عمر مولود شرف باشد از سواری اسب باحزم و احتیاط بودن
و نفقه داخل موزه در وقت موزه پوشیدن مناسب است و در اصل سال
پنجاه و نهم عمر مولود تیر در رجعه طالع بمقدار مطارد می رسد دلیل است
بر زیادتی کیاست و فراست و قوت رای و تدبیر و خواندن اخبار
و معاشرت با اهل فضل و اهل فکر و چون عطارد صاحب خانه دهم است
و در همان سال تیر طالع و عاشر و صاحب انها به خانه صاحب عاشر میرسد
دلیل قوی است بر ملکوت و رفعت منزلت و آوازه جاه و جلال و اختیار

و در سنبله همان سال تیر مرتع بمجد مشتری و سماک رامح می رسد که از سعود
ثوابت است و صاحب فرود از مشتری است دلالت کند بر تنها دن فواید
خوب و سیل با مور خسته و بطش و انفاذ مردم بطور عدالت و دلیل ملکوت
و رونق ولایات متعلقه به برج عقرب و اسد و سرطان و دران سال [illegible]
و چون از سال پنجاه و ششم تا اواخر شعبان و اوایل رمضان
سنه [illegible] تیر در رجعه طالع
بمقدار و است دلیل است در ایجاد برحسن تدبیر و رای و عدهای صاحب
و رسیدن بمراتب عالیه و اتفاق افتادن سفرهای خوب و معاشرت
با اهل فضل و ادب و تنجار و با مهات عمده و اهتمام و تکرم در خدمت سلطان
و در پنجاه و سوم عمر شرف تیر قمر بتثلیث اخترب میرسد خدمتی میکند
که از اهل یا عداوت رخنی بدان برسد لیکن قاسم تیر قسر مشتری است
و تیر جزء اجتماع مقدم در شعاع مشتری است لهذا بسیار مضرناک نیست و در اوایل
همان سال منقلبه مقارنه میکند با طبیعت برج و با از مزاج برج و وقت طبیعت برج
آتشی است که با حرارتی از آتش با یا از شکران و طبیعت وقت اپاست
گویا از سیل با تندان شرر رسد و در پنجاه و ششم در اوایل که [illegible]

و در شصت و دوسال شصت و سوم عمر احتمال سفر او تمام است که بسیار دور نباشد و متضمن
خیر و فرخی و فرح و سرور است و حصول اولاد یا سرور بسبب اولاد مقصود است
و همین شصت و سه تیر جزو اجتماع مقارن بعلف سرطان خواهد رسید و سعد است
سعد و ثلث علت و بسینه با تصف بصر و سعادت قاسم و در جه تیر شصت
و سه صورت می دهد و در سال شصت و چهارم عمر مولود شریف در ماه اسد
تیر طالع به نصر واقع میرسد که ثابته سعد است و در مزاج زهره و عطارد
دلیل کامرانی و شادمانی و صحت و سلامتی و هواش تابستان مدبر و کوکب شمال
کار ساز است اگرچه رسیدن تیر قمر حقیقی بآفتاب مقداری از این مدلول میکاهد
و در حمل سال شصت و پنج عمر شریف تیر طالع از نحد عطارد بسعد مشتری منتقل
میگردد و تا سال هفتاد و یکم عمر که تیر رانده دوم قاسم تیر مشتری است و دلالت کند
بر سعادت و شرافت و احتفا بعلماء و وزراء و اشتهار به نیکی مگر در غبت در امور
حسنه و اخلاق شایان انتقالات خوب در مشاغل بانصاف و عدل و در اینمدت
هم دلالت مسعود دارد و دلیل خیر و امانت نوای آنکه در سال شصت و شش و شصت و هفت امر خیر
و حصول مرغوبی باعث خیر باید بود و بدوران تیر در سعد مشتری دلیل کمال سفر است و الله اعلم

و دیدن دلیل بطرب و خرمی و اتفاق افتادن سفرهای خوب و رفعت منزلت
و جاه و حرمت و موافقت با اهل سلاح و رسیدن و زیادتی جاه و مبلغ
و وزارت شدن امور سلطانی بسبب مردمان خوش سیما و طرب و رفت و لطف
با مادران و اقارب و رسیدن بازراع لذتها و مشتهاه و در هفت سال چهل و
تیر عاشر از نحد زهره بسعد زحل میآید و چنین زحل میرساند دلالت کند
بر خوبی و نیکی و توفیق در بعضی امورات و اندوه و بعضی از مهمات سلطانی و
حصول مطالب در وی و راندن کارهای سخت اما چون نظر زحل بمحل تیر چنین
است و زحل در اهل طالع بنحسات و بود بسیار سختی و ریاضتی بحصول نمیرسد
و بعد از آن که در جه تیر نزدیک میشود بدین چنین آفتاب کارها روی بهبود
نهد و روز بروز از طرف سلطان خاتمها و نوازشها صورت می بندد و مقصودها
در سال پنجاه و یکم عمر شریف و در آن سال نیابت اهرام در نظر سلطان حاصل میشود
لیکن مردمان زحل طبیعت عداوت می ورزند و در شصت و پنجم عمر تیر عاشر
بفتح الاسد میرسد که ثابته نحس است دلالت کند بتزلزل بعضی امور و مصرفت
از جمله اشغال و اعمال در همان اوقات زهر بدرجه تیر بتدبیر دلیل است

که تزلزل امورات بزودی دفع شود و کارها بخوبی انجام یابد خصوصا و عقرب
چهار و پنجم شادیها پیش آید لیکن چون زهره در حین تولد محترق بود
کارها من جمیع الوجوه مراش مطلوب نخواهد بود بلکه بعضی امورات مخالف
طبع شریف انجام خواهد یافت و در هفتاد سال پنجاه و پنجم عمر شریف تیر عاشر
از نحد زحل بسعد عطارد میآید و عطارد صاحب عاشر و در خانه خویش
دلیل است بترقی مرتبه و زیادت مقدر و صحبت بزرگان و فضلا و افزونی
شهرت و ارتکاب شغلهای غریب و تا میزان سال شصت و یکم قاسم تیر
عاشر عطارد و است و این حکما بتدریج بظهور خواهد آمد و در سال پنجاه و شش
و پنجاه و شش هرچند شواهد ابانت و رفعت منزلت بسیار است اما اختلافات
مریخ و مشتری و خنثیها بروز میکند و در سال پنجاه و پنجم و پنجم و بعضی شغلها و مهمات
و سستی پیدا شود و در سال شصت و یکم در ماه میزان تیر از نحد عطارد بسعد مریخ
منتقل میشود و تا سال شصت و پنجم عمر قاسم تیر مریخ است و در این مدت بعضی تزلزل
در امور و ویرانی بظهور آید و بعضی دشمنان ترقی یابد اما چون تیر صاحب عاشر
و عاشر از نحد سعد است چندان نشود و نهایت تزلزل در شصت و پنجم

میباشد که تیر عاشر بقلب الاسد و مزنج میرسد و بعد از آن بارتفاع تیر عاشر قدم
عطارد می شود تا بهشتاد و شش که تیر را مذکور ایام بزرگ امورات بخیر و خوبی برنجامد
در رفعت و منزلت عباس گردد و کارها باسانی تمام میکرده بعون الله العلی القدیر
احکام تیر و تسدیس مشتری باوجودی سال چهل و دوم هاشم درجه تیر سابع زحل است
و دلالت کند بمیان آمدن و عداوتی کهن و کینه و مدت با دشمنان و ضدان شرکا
و ناسازگاری اهل خانه و کاهی و بدی سفر و معالجه و ضعف قوت و شدت
و نشاط و چون زحل در اصل طالع نزدیک بود قدری از مدلولات بنکاه
و چون آن زمان آواخر عمارت تحت زحل است این حکام در آن سال آخر
بظهور آید بحمل که سنه چهار سال قبل از این ظاهر شده بود است و در سلطان
سال چهل و دوم هاشم مولد شریف تیر سابع بیخ زهره میرسد و با سر طالع
چهار و دو هاشم درجه تیر زهره است دلالت کند بر نیکی عشرت و بسیار
و زیادتی میل بطرب و نشاط و موافقت اهل خانه و امتداد سفرهای نیک
و خوش شرکت و مناکحت و فرخت از دشمنان و زیادتی دوستان و فرزند
و دراهای صایب و راست رشن خشان بهجت و سلامتی نفس و چون تیر
صاحب خانه دوم و نهم طالع است و بتسویه و نهم و بسیر جهت در دهم بود
در دولت و دین ده سال سخنهای خوب اتفاق می دهد و ماهها نشنفتها نیاد و بسکرد
و شهرت و عزت می افزاید و با بزرگان و سلاطین الفت بسیار شود و ملکت
و اختیار زیاده شود و از شر جمله دشمنان ایمن میشوند و در ماه سر طان سال چهار و پنج
تیر سابع از حد زهر و بمجد عطارد و بهشال می یابد تا اوایل جدی سال
پنجاه و یک هاشم درجات تیر عطارد است و عطارد که صاحب طالع اصل
و صاحب عاشر است در برج نهم بود دلیل است در ابتدا بدولت رای و پسر
و بسیاری بیع و شری و اتفاق افتادن سفرهای زیادتی جاه و حرمت و قوت
و فرحت و شب سایی مزاج مردم و اگر نکاح اتفاق افتد با زنی عاقل و هوشیار
و نزدیک چهل میشود و بحمل که در امور دشمنان و خصمها بعضی انواع مکر و حیله را بکار
آورند و در ابتدا دولت اهل خانه بهشد و مخاصمها بیان آید و غالب فهم مغلوب
بسکرد و در سلطان سال پنجاه و سیم تیر سابع بجنب السلسله می رسد که شبه
سعد است بر مزاج زهره و دلیل است که در آن سال عشرت و نشاط زیاد
و با انواع لذتها بهره مند باشند و در وجدی سال پنجاه و پنجم تیر از حد

به تحت مشتری منتقل میشود و تا سال هشتاد و یک که تیر را مذکور رشد هاشم درجات تیر مشتری
است و مشتری در حضرت زایچه و صاحب خانه هفتم و چهارم بود و در بسیم طالع
مقام داشته دلیل است با امن و فرخت از طرف خصمان و مصالحه چون این
قوم و نیکی رای و تدبیر و اصابت مواعید بزودی و صلاح اهل خانه و منفعت از جهت
و اتصال اولاد و حضور غایب و در زیادتی و زیادتی منافع املاک و چون مشتری حضرت
طالع طالع بود و نحوس بمرتبه بعضی از این مدلولات کاهی بظهور انجامد و بعضی
از احکام مستور و تا تمام بعمل آید لیکن با اهل علم و اشراف یا اقارب خاصها
و مسافرها بر نجیخه گردد و الله اعلم عند الله احکام تیر و تدبیر رابع بود سال چهل و یکم هاشم
سال چهل و چهارم تیر درجات تیر رابع عطارد است دلالت بقاشی خانها
و تعمیر جاهای بشکوه و در هم پیوسته و کوشایی مستلیات رفتن با دخانها
و کار و اتساع و شرای املاک و بدین طرح عمارتها و اتصال از وطن بوطن
و نیابت و آشنایی با اهل فضل و ارباب دیوان و رفعت بعلم ساخت و قوت
و در هجدهای سال چهل و سه تیر رابع بر کنه ایله جاه میرسد که تا بیخ نحس است
و دلیل است که آسیبی با املاک یا منافع رسد بآتشکی و بعضی مسافر پیدا کرده آنها

نا وقات از جای بلند و دیوار شکست امتراز فرمودن سزاوار است و در سرت
همان سال تیر بسهم المال می رسد دلیل است که منفعت بایله ببیت
بدست آید و مداخل ملک زیاده گردد و در مخرب سال چهل و چهارم تیر بکمال
مستقل بسکرد و تا نوزدهم سال پنجاه و یکم هاشم درجات تیر رابع زهره است
دلالت کند بشهد رشدن با خلاق حسنه و اطراف سخنه و عمر باغ و بستان
و سیر و ابهای حوض و آبهای روان و جاهای با نزهت و نیکی رخل و ارتفاعات
و رباع زمینها و کشتاها و مخالطه با اهل عشرت و زیادتی میل بطرب و نشاط
و در منازل نفیس و بهجتها و در سال چهل و ششم هاشم عمر نوزدهم سال پنجاه و یکم تیر از حد
بیت مشتری منتقل میشود تا اوایل نوزدهم سال پنجاه و هفت هاشم تیر مشتری است دلالت
کند در آن سالها بزیادتی املاک و سرای و تعمیر جاها و عمارتها و مصالحه
و مدارس و حضرت عراب امور و نیکی ارتفاعات و مداخل و اختلاط با علما
و سادات و توزیا و اشراف بیتا در سال پنجاه و دو و در پنجاه و چهار با بعضی
مردمان خوش و بیغ و طرناک الفت شود و در اوایل حوت پنجاه و شش تیر بحد
مرجع منتقل شود و تا شصت و دو هاشم تیر خانه چهارم مرجع است دلیل است که در

مدت بجهة املاک و مساکن خصوصا نها افتد و با امرا و اهل نظام خدمت
بمیان آید و با ملاک خصومت و جدال از این قوم و اهل شر مضرت رسد تحمل
یعنی معضلات و زراعتها بسوزند یا از برق و حرق ضرر رسد و در تیر
مضاف و در تیر بجدل برسد و بضعف مبتلا شود تا سم تیر مریخ است و بالله
کند به تغیر جایها و زیادتی میل باماکن و عاقبت اندیشی و تدبر در عواقب امور
و احتمال سفر در شعاع و سه و شعاع و چهارم عمر شرف باطلاقات عطارد و بیاید که
مضروبات اتفاق می افتد و در شعاع پنجم باطلاقات مریخ و در سر طالع شعاع و
سعد عمر شرف تیر بجدل زهره مشتعل شود و ناوقتها که تیر را اختیار نکنیم بسیم زهره
تیر زهره بهت دلالت کند بر بیکاری و شادی و ساکن و اوطان و احتمال
سفر و اکثر مدلولات طالع مانند احکامیست که در ماهین چهار و پنجاه بهت و بعلم الله
از احکام طالع این احکام با احکام بیوت و دائره و کانه و احکام تیر است
مقاومت نتواند کرد پس هرچه از این احکام مراعات انها باشد معتبر و هرچه
مطابق نباشد از درجهٔ اعتبار ساقط است و بعلم الله بودن اقتران در خصومت
رانچه در خانه عطارد و حد زهره در درجه دوم جوزا و متصله در بهت نهم دلیل است

کو مولود سعد و نیکو شمایل و دانند و علم و دست دارند و زبان و طرب
و در چند عمر زیادت شود و احوال نیکو تر گردد و با حمیت و مضروب و دانند
کرد با دشمنان و عمل کنند و با رای خویش و حسن المعیشه و محترم در آخر عمر بیشتر از اول
و بودن قمر در خانه زهره و حد زهره و درجه سیم میزان و متصله در بهت طالع
دلیل است که مولود سعد و محبوب خلایق و نیکو منظر و خلق را از سخن او
فایده رسد و عظیم القدر و مخالفت کنند و با اهر بهت و بسیار مال و قوی
رای و صادق الاحلام و متدین و هر معروف و نیکو سیر کند و بزرگ و فرزند
شاد شود و باشد که حکومت کند و عاقل بعید و خداوند شرف و خلق بسیار
بر ی اهمال دارند و حاجتمند باو باشند مالا و جاها و در آخر عمر بود و بودن زحل در بهت
زهره و حد عطارد و درجه اول میزان و متصله در بهت طالع و اصل مولود در اکثر
تزویج یعنی پنجاه و چند و مذکر بهت و تواگر و بسیار مال بضیاع و عقار و خلف
فرزند و حریص بر تزویج و تا چهل و شش سال تف مال کند و بعد از ان کار
از نظام بپوشند و بودن مشتری در بهت مریخ و حد زحل و درجه سیم عقرب و در خانه
سیم دلیل است که مولود امیری بود از هراه و در رهه حال متعبد ل بود و بهراه

رسمی رسد و بزرگی یابد و مقرب سلاطین شود و بنیکو خلق و بارای و مدبر
باشد و صادق القول و تواگر و محترم گردد و بودن مریخ در خانه آفتاب و حد
خود و درجه سیم اسد و در بهت و دائره هم دلیل است بعلتی در پا یا من یا زخمی
از آهن یا از آتش یا از گلوله سوزنده و جراحی و جور باشد و محارب یابد و بعضی
از مراتب مملکت برسد اما دشمنش بسیار بود و از بهر بی این بسیار و بسیار
مال بدست آرد و حسن المعاشرة باشد و در آخر عمر کارش بلند تر شود و در
کودکی رنج و بلا بیند و بیماری کشد و سوت مزاج شود و بودن مریخ در خانه عطارد
و در حد مریخ و درجه دوم جوزا و متصله و در تهم دلیل است که مولود را
فرزند غلب و هران باشند و تزویج شایسته بود و در اولی عسر کشیها
بیند و در میانه عمر بسیار تر از اول باشد و محترم بود و بودن مریخ در بهت
زهره و حد زحل و درجه سیم ثور و در خانه نهم دلیل است که خویش دارای
اوازه خوش و طرب و وقوف اسرار و میان او و برادران اختلاف
باشد و هر خوب کند و عالم و کرم بود و نزدیک خلق و هایه و بیشی و بلاغت
در ریاضی و ادب حسن الظاهر بود و معروف شهر و در شهر خویش بیگانه تا اخر عمر

احکام اتصالات کواکب از قول حکای سلف تثلیث آفتاب با زحل
در سعودست زانچه دلیل است که مولود سعود رفیع الجاه و الذروه و معروف
و مردم بردی نیکو بود و از فرزند شادی بیند و با عمر یابد عزیز تر
کرد و تسدیس آفتاب با مریخ دلیل است که مولود خداوند هر دو نهی و جاه
و رفعت و مذکر و کرم بود مقارنهٔ آفتاب با زهره دلیل ثنا و محمدت با نفس
از خلق و نیکو عمر و مدبر و بودن تثلیث آفتاب با قمر دلیل ریاست و بزرگواری
است مقارنهٔ قمر با زحل دلیل است که مادر مولود را نقصی یابی رسد و ضعیف
المزاج باشد تسدیس قمر با مریخ دلیل روا شدن حاجتهاست تثلیث
قمر با زهره دلیل حافظه بود و مولود علم از خاطر و طبع خود داشته باشد که تثلیث
میان زحل و زهره دلیل است که مولود سخن گوی و با کرنش و نیکو منظر و کریم بود و از دوستان بهره یابد و بقوتی مستعان شود که بر او
سعد بر نحس میان مشتری و مریخ دلیل است که مولود شده خاطر و قوی
حال و حریص بر طلب معیشت و معاش غالبا تلف شود و در دست نماند و از
عمر سیطان نمی رسد مقارنهٔ میانه مشتری و عطارد دلیل است که مولود محاسب

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

دصاحب رای و فهم بود و با مور دینی بهره مند شود و باشد که بخوان
کند و کارش در ان سفر بلند کرد و تدریس میانهٔ
مریخ و زهره و دلیل فرماندهی و حکومت تربیع عطا
با مریخ و دلیل تدبیر و دانستن راه مکر و حیله و رفتن
و شنان و با لله التوفیق و الهام
نسخه و مجمع الکرام علی التحقیق
تحریر از شهر مظفر
سنه ۱۲۶۲

جدول مواضع کواکب در طول و عرض و قوا کواکب و توابع انها

کواکب	طول	عرض	میل	مطالع	مغارب	نصف النهار
شمس	۰۱۱ ۰۰	۱ شمال	۰	۰۱۱ ۰۰	۰۱۱ ۰۰	۰۱۱ ۰۰
قمر	۰۱۱ ۱۰	۰ ۳۰ شمال	۰	۰۱۱ ۱۰	۰۱۱ ۱۰	۰۱۱ ۱۰
زحل	۰۱۰ ۰۰	۰ ۱۰ شمال	۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰
مشتری	۰۰۹ ۰۰	۰ ۱۰ شمال	۰	۰۰۹ ۰۰	۰۰۹ ۰۰	۰۰۹ ۰۰
مریخ	۰۰۸ ۰۰	۰ ۱۰ شمال	۰	۰۰۸ ۰۰	۰۰۸ ۰۰	۰۰۸ ۰۰
زهره	۰۱۰ ۰۰	۰ ۱۰ شمال	۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰
عطارد	۰۱۰ ۰۰	۰ ۱۰ شمال	۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰	۰۱۰ ۰۰

جدول مطارح شعاعات کواکب

کواکب	تسدیس	تربیع	تقویس	تثلیث	تسدیس	تربیع	مقابله
شمس	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
قمر	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
زحل	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
مشتری	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
مریخ	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
زهره	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰
عطارد	۰۶۰ ۰۰	۰۹۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۲۰ ۰۰	۰۱۵۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰	۰۱۸۰ ۰۰

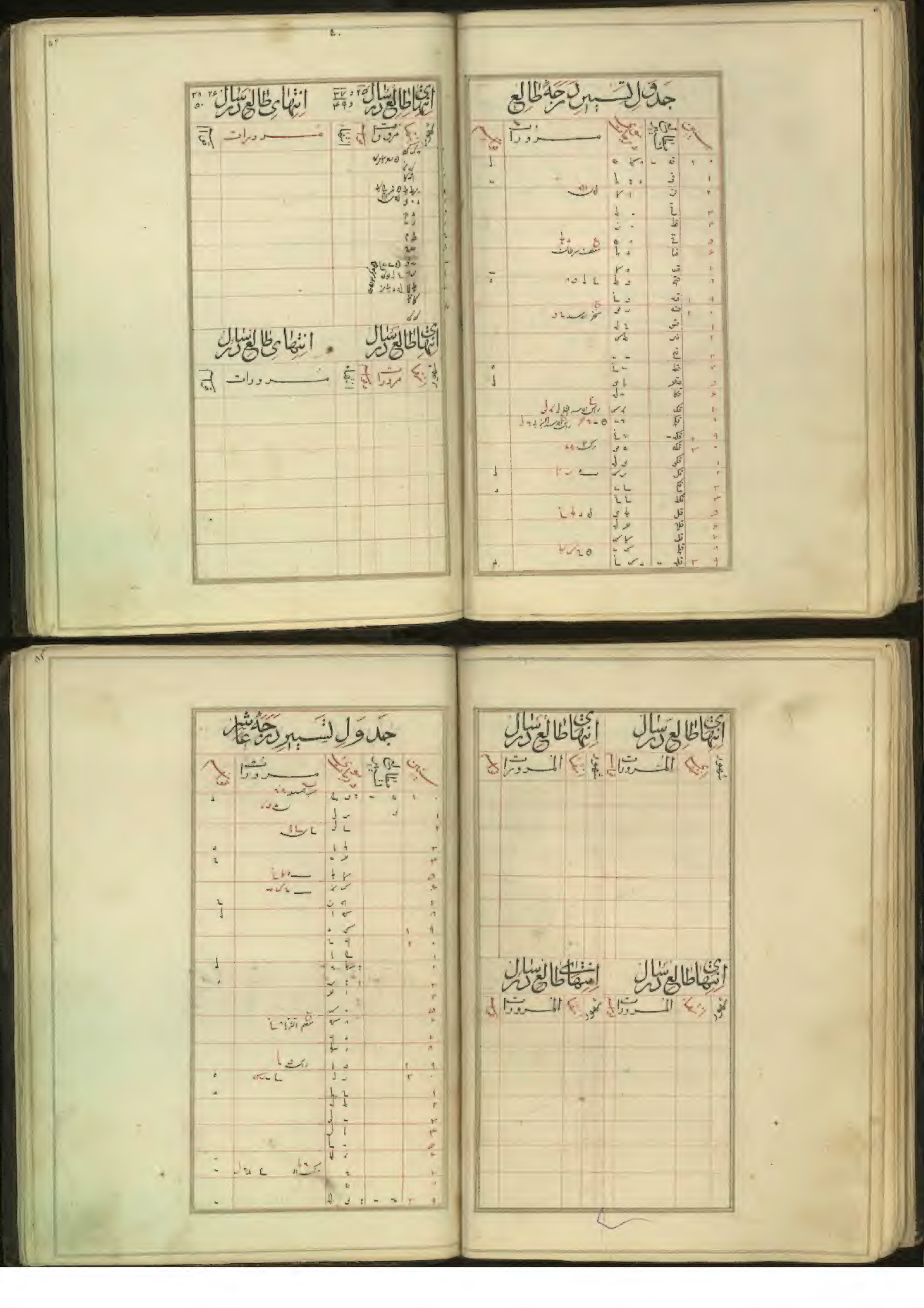

جدول تسییر درجهٔ طالع

سنین	مطالع تسییر	[illegible]	مرورات	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]

انتهای طالع در سال ۲۵ و ۳۷ و ۴۹ — انتهای طالع در سال ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

شهور	[illegible]	مرورات	[illegible]	[illegible]	مرورات	[illegible]
[illegible]						

انتهای طالع در سال — انتهای طالع در سال

شهور	[illegible]	مرورات	[illegible]	[illegible]	مرورات	[illegible]

انتهای طالع در سال — انتهای طالع در سال

شهور	[illegible]	المرورات	[illegible]	[illegible]	المرورات	[illegible]

انتهای طالع در سال — انتهای طالع در سال

شهور	[illegible]	المرورات	[illegible]	[illegible]	المرورات	[illegible]

جدول تسییر درجهٔ عاشر

سنین	مطالع تسییر	[illegible]	مرورات	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول تسہیر و تدریج رابع

نمبر شمار	نام مقام	درجہ بندی	مرورات	فاصلہ
۰				
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳۴				
۳۵				
۳۶				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
۴۰				
۴۱				
۴۲				
۴۳				
۴۴				
۴۵				
۴۶				
۴۷				
۴۸				
۴۹				
۵۰				
۵۱				
۵۲				
۵۳				
۵۴				
۵۵				
۵۶				
۵۷				
۵۸				
۵۹				
۶۰				
۶۱				
۶۲				
۶۳				
۶۴				
۶۵				
۶۶				
۶۷				
۶۸				
۶۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷۴				
۷۵				
۷۶				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸۴				
۸۵				
۸۶				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹۴				
۹۵				
۹۶				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

جدول تسہیر و تدریج سابع

نمبر شمار	نام مقام	درجہ بندی	مرورات	فاصلہ
۰				
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳۴				
۳۵				
۳۶				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
۴۰				
۴۱				
۴۲				
۴۳				
۴۴				
۴۵				
۴۶				
۴۷				
۴۸				
۴۹				
۵۰				
۵۱				
۵۲				
۵۳				
۵۴				
۵۵				
۵۶				
۵۷				
۵۸				
۵۹				
۶۰				
۶۱				
۶۲				
۶۳				
۶۴				
۶۵				
۶۶				
۶۷				
۶۸				
۶۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷۴				
۷۵				
۷۶				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸۴				
۸۵				
۸۶				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹۴				
۹۵				
۹۶				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

جدول تسہیر درجہ ثامن

نمبر شمار	نام مقام	درجہ بندی	مرورات	فاصلہ
۰				
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳۴				
۳۵				
۳۶				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
۴۰				
۴۱				
۴۲				
۴۳				
۴۴				
۴۵				
۴۶				
۴۷				
۴۸				
۴۹				
۵۰				
۵۱				
۵۲				
۵۳				
۵۴				
۵۵				
۵۶				
۵۷				
۵۸				
۵۹				
۶۰				
۶۱				
۶۲				
۶۳				
۶۴				
۶۵				
۶۶				
۶۷				
۶۸				
۶۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷۴				
۷۵				
۷۶				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸۴				
۸۵				
۸۶				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹۴				
۹۵				
۹۶				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

جدول تسہیر درجہ قسم

نمبر شمار	نام مقام	درجہ بندی	مرورات	فاصلہ
۰				
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳۴				
۳۵				
۳۶				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
۴۰				
۴۱				
۴۲				
۴۳				
۴۴				
۴۵				
۴۶				
۴۷				
۴۸				
۴۹				
۵۰				
۵۱				
۵۲				
۵۳				
۵۴				
۵۵				
۵۶				
۵۷				
۵۸				
۵۹				
۶۰				
۶۱				
۶۲				
۶۳				
۶۴				
۶۵				
۶۶				
۶۷				
۶۸				
۶۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷۴				
۷۵				
۷۶				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸۴				
۸۵				
۸۶				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹۴				
۹۵				
۹۶				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

جدول التسهیر شش ماهی

نمبر	ماہ تاریخ	روزنامچہ	مسودات	فیصلہ
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

جدول التسهیر سالانہ

نمبر	ماہ تاریخ	روزنامچہ	مسودات	فیصلہ
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

جدول التسهیر سہ ماہی

نمبر	ماہ تاریخ	روزنامچہ	مسودات	فیصلہ
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

جدول التسهیر ماہانہ

نمبر	ماہ تاریخ	روزنامچہ	مسودات	فیصلہ
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

جدول تسییر عطارد

سنین	ایام	درجات	مرور	قبل
۰	۲	۶		۲
۱		۱۱		
۲		۱۶		
۳		۲۱		۱۰
۴		۲۶		
۵		۳۱		
۶		۳۶		
۷		۴۱		
۸		۴۶		
۹		۵۱		۶
۱۰		۵۶		
۱۱		۱		
۱۲		۶		
۱۳		۱۱		
۱۴		۱۶		
۱۵		۲۱		
۱۶		۲۶		
۱۷		۳۱		
۱۸		۳۶		
۱۹		۴۱		
۲۰		۴۶		
۲۱		۵۱		
۲۲		۵۶		
۲۳		۱		
۲۴		۶		
۲۵		۱۱		
۲۶		۱۶		
۲۷		۲۱		
۲۸		۲۶		
۲۹		۳۱		
۳۰		۳۶		
۳۱		۴۱		
۳۲		۴۶		
۳۳		۵۱		
۳۴		۵۶		
۳۵		۱		
۳۶		۶		
۳۷		۱۱		
۳۸		۱۶		
۳۹		۲۱		
۴۰		۲۶		
۴۱		۳۱		
۴۲		۳۶		
۴۳		۴۱		
۴۴		۴۶		
۴۵		۵۱		
۴۶		۵۶		
۴۷		۱		
۴۸		۶		
۴۹		۱۱		
۵۰		۱۶		
۵۱		۲۱		
۵۲		۲۶		
۵۳		۳۱		
۵۴		۳۶		
۵۵		۴۱		
۵۶		۴۶		
۵۷		۵۱		
۵۸		۵۶		
۵۹		۱		
۶۰		۶		
۶۱		۱۱		
۶۲		۱۶		
۶۳		۲۱		
۶۴		۲۶		
۶۵		۳۱		
۶۶		۳۶		
۶۷		۴۱		
۶۸		۴۶		
۶۹		۵۱		
۷۰		۵۶		
۷۱		۱		
۷۲		۶		
۷۳		۱۱		
۷۴		۱۶		
۷۵		۲۱		
۷۶		۲۶		
۷۷		۳۱		
۷۸		۳۶		
۷۹		۴۱		
۸۰		۴۶		
۸۱		۵۱		
۸۲		۵۶		
۸۳		۱		
۸۴		۶		
۸۵		۱۱		
۸۶		۱۶		
۸۷		۲۱		
۸۸		۲۶		
۸۹		۳۱		
۹۰		۳۶		
۹۱		۴۱		
۹۲		۴۶		
۹۳		۵۱		
۹۴		۵۶		
۹۵		۱		
۹۶		۶		
۹۷		۱۱		
۹۸		۱۶		
۹۹		۲۱		
۱۰۰		۲۶		
۱۰۱		۳۱		
۱۰۲		۳۶		
۱۰۳		۴۱		
۱۰۴		۴۶		
۱۰۵		۵۱		
۱۰۶		۵۶		
۱۰۷		۱		
۱۰۸		۶		
۱۰۹		۱۱		
۱۱۰		۱۶		
۱۱۱		۲۱		
۱۱۲		۲۶		
۱۱۳		۳۱		
۱۱۴		۳۶		
۱۱۵		۴۱		
۱۱۶		۴۶		
۱۱۷		۵۱		
۱۱۸		۵۶		
۱۱۹		۱		
۱۲۰		۶		

ابتدای طالع در سال		انتهای طالع در سال	
درجه	مرور	درجه	مرور

نحوست	مرور	نحوست	مرور

در بیان احکام قوای [illegible] متعلق بعلوم بحسب الله اجلاله [illegible] قوت تخیلی
که موضع آن در جلوست و از آنرا متخیله خوانند و مخدوم آن سه قوت است ناطقه
ناطقه و موکده و مربی این قوت فرات چون قرار صدورت طالع قوی
حال است در برج خود و در طالع و بهشادو بهره قوتش بر صفت غالب
دلالت کند بکمال از آهستگی این قوت و بفراغت خاطر رزین و آسوده
و مرفه بودن و صحیح المزاج و مایل بتغذیهای خوب و از تغذیه و تتمیه برخوردار
و راغب بامور خسته و عالیهمت و چون بقول بعضی استادان مشتری
شریک قمرات در مربیت این قوه مشتری راجح است و در چهل بهره بنحسش
غالب بقوت است و از قرساطات است دلیل است که از بعض اغذیه
مستقذر و متألم باشد و کاه و کاه بسبب غذا رنج بیند و چون مشتری منحوس است
بر حمل و مریخ یعنی اوقات غذاهای کرم و تر و سرد و خشک عزیز موافق
بعید و لیکن چون اهل مربی قمرات و در کمال قوت غالب اوقات
این قوت سلیم و غیر منحرف از وضع طبیعی خواهد بود اما قوت حیوانی
که از ارواح حیوانی خوانند و موضع آن دل است و مخدوم آن دو قوت

مخبره که بمدرکه و حس راندن و بقبض و حفظ و بکیفیت و طبع و بمعاشرت و
تخیل و طلب توانگری و بلوغ بهر مثل قوت و شوکت و تکبر و تواضع و حسن
و خدم و حشم ایشان بدین قوه تعلق دارد و مربی این قوه آفتاب است
و چون اهل شش بهره قوت آفتاب بر نحسش غالب است دلیل است بلندی
قدر و رفعت مراتب و توفیق بر اقران و شروع کردن بامور چه بطرق علوم
و سعی کردن در امور پسندیده و ادراک خوب و حرکت بسکون بر وفق تعقل
و لیکن ظهور این قوت کمتر از قوت سابقه است اما قوت شهویه و اصل این قوت
طلب منافع است و بدین قوه تعلق دارد و کشادهروی و مصاحبت و معاشرت
و طرب و لهو و طلب لذات و میل دفع و فجور و کثرت شهوت و فهم موسیقی و تعلق
و مربی این قوه زهره است و چون اهل پنجم بهره قوت زهره بر نحسش غالب است دلیل است
بر اینکه مردم خوش خوی و کشاده رو و ملایم طبع و خوش فهم و موزون
اگر کرده باشد و خویش معاشرت و سخاوت و مایل بتجمل و نشاط و میل
و چون زهره از خانه اهل مناظرات بزحل مناظره بیست و شش جنبیس جمیع مذکورات از موارد
بخیل و وقار و سنگین و بطلب اما قوت غضبیه اصل این قوت دفع مضار است

عطارد و دلیل است به کمال قوت و سلامتی این حس و طعوم غیبه را زود و دلیل
و کثرت میل شهوتی شده و گاه گاه بتهوش مایل باشد و احیانا از اطعمه خاص
متالم باشد اما حاسهٔ لمس که نرمی و درشتی و حرارت و برودت و رطوبت و
ثقل بدان مدرک شود و در جمیع بدن ساری است و بشتر در سر انگشتان
و مفرق این قوت بشرکت زحل و چون قمر در وی قوت قوی حاصل
گردد این حاسه در بدن سالم و پاکیزه و چون قوت جزوی از بدن پاک
باشد و بزودی بیان طوبات نمود و این حس از نصف اعلی زیادتر
از نصف اسفل باشد و بر بیان احکام و دوازده خانه احکام طالع بر خانهٔ
این خانه منسوب است بتن و جان و ابتدا و آغاز کارها و تدبیر مصالح و کیفیت قوت
چون مستولی این طالع قمر است چون بیرد و کوکب سیتا قمر و تحال است دلیل
که مولود بحکومت و ولایت داری برسد و بشغل نیابت و رسالت سرافراز
گردد و دانشمند و صاحب علم طب و بسیاری خواص اشیاء و صاحب تجربه
و زیرک باشد و بشغل برادران و اقربا و مستهم و پاکیزه و بکار داری عطرها
و شیکه کار و دوزنده کارهای عجیب و مایل بلباسهای لطیف و لباسهای پاکیزه

و اشتراج سایر دلایل این خانه نیز بانجام مقرون بود و دلالت دارند و بندرستی
و رغالب اوقات و آسوده گی و احترام و اواسط عمر بهتر از اول و بیست و اواخر
بهتر از اوساط باشد احکام خانهٔ دوم این خانه را بیت المال و المعاش گویند
و دلیل است بکسب اموال و اخذ و عطا و تحمل و سخا و احوال و کیفیت
و اما دلالت این خانه صاحب و مستولی این خانه است و سهم المال و سهم السعادة و
مثلثات و مستولی این خانه و این زایچه آفتاب است بشرکت مشتری و دلیل
اشتراج آنست که این خانه دلالت میکند که مولود دولتمند و متمول و از جهة مطلوب آید و
و بدو خانمیت باشد و از حکومت و تحمل مال تحمل کند و در عطا و اسماک
متوسط باشد و یکی از طرف زوجه هم مال بدست آید و بعضی اوقات در حصول
مداخل قلب مشقت است و بودن مشتری در دوم بمقابلهٔ آفتاب دلیل
کراهت و ناگواری و حصول مال برنج و نظر کردن کوکب مشتری دلیل حصول مال
از هر قمر و بودن مشتری با عزیز دلیل مقرون بودن مولود با بزرگی و بزرگ
مشتری دلیل قلت مال و بعضی دلایل دلالت دارند که بعضی اوقات بردی مردم
اعطای مال کند و بموقع مصرف نماید مال حلال حرام بدست آید و از اطلاع

منتفع شود و از دوز و دزد مضرت بیند و بعضی اوقات بسبب تحمل و تحمل
مال تلف کند و در سفر مال بدست آید و تلف هم شود احکام خانهٔ سیم
این خانه دلیل است بر برادران و خواهران و اقربا و سفر نزدیک و علم الدرک
و دلالی این خانه صاحب و مستولی و سهم اقربا و زحل و قمر و زهره است بودن
این خانه در خانهٔ ششم و برج کم فرزند و منحوس بخیین و بودن سهم الاخوه در برج
دو پیکر کم فرزند دلیل است که اخوه مولود اندک باشد و چون صاحب
سهم الاخوه در برج بسیار فرزند است و تحت الارض مولود را برادر
یا خواهر بعد از وی باشد و چون در برج مونث است خواهر بودن
مقدر است و چون اگر دلایل این خانه با هم نظر محبت ندارند مولود را با اقارب
بسیار الفت نباشد بلکی بعضی اقارب در بد گویی او کوشند و بودن
سهم الاخوه در این خانه دلیل است که مولود از اقارب خود دعلت کند
و ممکن است که در سفر نزدیک مالش مسروق شود احکام خانهٔ چهارم این خانه
دلیل است بآبا و املاک و عاقبت امور و مساکن و اوطان و دلایل این خانه
صاحب و مستولی سهم الآباء و سهم اتمات و تمزیج این دلایل و سایر ادلهٔ این خانه

بودن هفتم برج کثیر الولد و سهم اولاد در وی و صاحبش در برج بسیار فرزند دلیل
بسیاری فرزند است لیکن بودن صاحب این خانه در برج مقیم این مدلول را قدری
کم میکند و بودن زحل در این خانه و رجعت صاحب این خانه مقابل این خانه
دلیل تلف یعنی اولاد است اما چون صاحب این خانه کوکب مقارن مشتری است
همه اولاد تلف نمیشود و باقی هم بیمانده بودن یعنی دلایل در مواضع
تذکیر و یعنی در مواضع تانیث دلیل است بحصول اولاد از هر دو نوع و اتصال
صاحب پنجم با صاحب هفتم دلیل دلالت از عقود و مقارنت ان با صاحب ششم
دلیل بر آمدن ولد از کنیز یا خدمتکار است و دلیل سقوط یعنی اولاد در حالت صغر
هم موجود است و سقوط صاحب چشم از صاحب طالع دلیل است بجهاتی
مولود و فرزند مدلول مقارنت از طرف فرزند باشد و دلیل اولاد از اوساط
و اواخر عمر قوی تر است و دلیل عدد اولاد و زنده تا هفت تمام است دیگر دلالت کند
بر رسیدن تشریفات از سلطان و تحف و هدایای خوب دیگر یعنی اوقات بسبب اخبار
کاذبه خلل خاطر او دهد از یعنی مطایبات و حشرت پیشانی حاصل کردد و اکثر
تنبش و حشرت را با بزرگان در مردم سن میکند و با علماء و اهل ادیان دوستی دارد

احکام خانه هشتم این خانه منسوب است بخدام و چیدن و مرض و آفات
و الم و ستوران سنم نکاشته چون اکثر دلایل این خانه قویتحال است
سیما قمر که صاحب اهل طالع است و دلیل مزاج و از جمله دلایل این خانه
است و زهره در این خانه است مولود اکثر اوقات صحیح المزاج و این
از علل شدیده و مزمنه خواهد بود چون صاحب این خانه منحوس است
بمرتبه یکمن و یعنی اوقات مزاج بسبب گرمی و خشکی از سر حد اعتدال
انحراف بهم رساند و اختلال ظهور و مایل عاره در پشت و کردن و پهلوها
قائم است و از انچه احداث صفرا کند اجتناب نماید و دلیل زندگی
راست هم موجود است لیکن هر تغیری که در مزاج باشد زود مختل میشود
میگردد و بودن طالع سرطان و سهم السعاده در وقت مقابل یعنی دلیل است
که موی وی بسیار نباشد و بگرد لامی این خانه دلالت دارد به بودن
بندگان و کنیزان و بندگان سیاه زحمت کش و خادمان نیک راست کردی
و میان خدام سیاه و سفید عداوت باشد و این خیانت یعنی خدا
و اتلاف مال مولود هم هست و هر خادم که بگریزد بر او عیب میکنند

بحیطه تصرف آید و حیوانات سنم نکاشته بسیار نفع ندارند و تلف میشوند
احکام خانه نهم این خانه دلیل است بازدواج و شرکاء و خصوم و اضداد
دلایل این خانه دلالت دارند که مولود شریف تزویج منفعت دار کند و بودن
آفتاب در این خانه دلیل است که از اکابر و اعاظم تزویج کند و چون آفتاب
صاحب خانه دوم است زن مالدار میشود و بودن سهم المزوج
در خانه نهم دلیل است که از اقارب باشد و چون متولی این خانه
از خانه انهای قدیم و از سلسله بزرگ تزویج میکند و بودن سهم المزوج
در برج ذوجسدین و نظر جمیع کواکب بمتولی این خانه دلیل تعدد تزویج
است و بودن صاحب این خانه در برج کثیر الولد دلیل حصول اولاد و نظر
صاحب عاشر بهشتم دلیل است که بزرگان مولود شریف را زن دهند و امور
نکاح او متکفل گردند و چون نظر تهال بعداوت و انکار است بقبول
و تعب تمام میشود و چون از خانه دوم با مشتری نظرات مالدار میشود و چون
میان صاحب طالع و هشتم بمرجیت نظر تثلیث است میان مولود و متعلقانش
موافقت پیدا شود و بودن سهم السعاده در این خانه و خانه اوند این خانه در نظر

فقد پس بیان این دو دلیل پنجم و خامس تزویج و منفعت از امر نکاح
دلالت میکند و بودن متولی این خانه در وسط برج در وقت صاحب شدن
این خانه دلیل است که در اواسط عمر از نکاح بسیار نفع حاصل شود
و دلیل نکاح جواری یا خدمتکار هم قائم است و بقول در نیوس
مصری عدد تزویج پنج چهار میرسد و چون اکثر نظرات دلایل این خانه
هم بعداوت است در انتظام امر تزویج قبحها و زنهای قبیل و قال زیاد
میشود بسبب تزویج یعنی اشخاص عداوت بر انچه کرده و دیگر دلالت
این خانه دلالت کند که مولود شریف را کم حشمت افتد و غالبا مولود طالب
آید بجهة انکه صاحب طالع قوی تر از صاحب هشتم است و معین مولود
از معین خصم قویتر است و اکثر اوقات معین هر دو در مصالحه کوشند و مصالحه
پرده ای دست دهد و خصوم مردودان پیر مایل خانه انهای قدیم یا شیخ
و اهل تزویر و مردم ثروت و نعمت بزرگ بهر دو نوع و چشم و سیاه رنگ
بیاشد و بودن سهم المزوج در هشتم دلیل است بر انکه هر چه زود بهره
اطلاع بهرسند دارند ام چیده هم مالش را می دزدند احکام خانه هشتم

این خانه جهت خوف و خطر و آفت و موت و جهت اموال از زوجه و شرکا
و خصوم و مال غایب و میراث است و دلایل این خانه دلالت دارند که اگر
از آفات از آفت و نجات سالم باشد و با من و فرخت بگذراند
و بعضی مکاره که رسد از طبقات عقار و داهل و قرخواهد بود و از طبقات اهل
و خدم و مالی که در احکام خانه هفتم مذکور شد و از بعضی اقارب هم مکاره
و اندیشها روی دهد و لیکن همه بزودی منقطع میگردد و از موضع
قبله باحذر باید بود و از آب البته اجتناب لازم است و سفر بحر البته بکند
که خوف غرق هست و از جایی که منطقهٔ حیات و عقارب بسیار باشد
احتراز خوب است و اگر این احتراز نکند و در غربت و سفر لازم آید
و نظر بمریخ و زحل از برج آبی دلیل اذیت دیدن است از آبها یا آتش
و دلیل کلو گرفتن از آب خوردن و اذیت دیدن بدین سبب هم هست
لیکن چون مشتری مقارن مریخ است و ناظر بزحل دفع اگر مخالفت میکند دلیل
مال از زوجه و شرکا است از طرف زوجه هم موجود است و از مال شرکا
و خصم هم چیزها می شوند و اگر مالی که از این اصناف میرسد از نوع

برده و حیوان و معادن و جواهر بود و از ضیاع و عقار و املاک کم
بود و اگر قناه و انهار احکام خانه ششم این خانه دلیل است بسفر دور
و علم و دیدن خوابها و رای و تدبیر و صلاح نفس و جهاد است چون اکثر
دلایل این خانه با هم نظر دارند و در قوت بر ضعف غالب بیشتر سفر
اتفاق می افتد و خوب میگذرد و لیکن سفر این مولود بسیار نمی شود
و دیر و بیر اتفاق می افتد و دلیل سفر بهر طرف است و لیکن قویترین دلالت
بر برج شرقی جنوبی و بر برج غربی جنوبی دلالت میکند و اسباب سفر که از
سفر مستنبط می شود چند چیز است جهت مال و معاش و جهت اقارب و جهت
و بجهت زوجه و شرکا و اضداد و جهت خوف یا مال زن و بجهت شغل و عمل
و امور سلطانی و مؤثرترین اسباب سبب خیر است و ممکن است که در سفر
همه مذموم داشته باشد و دلیل است بوقوع سفر پادشاه یا جهة اهل سلطانی
یا این مشرق و جنوب و رسیدن مال و دیدن بعضی شده اید و حصول بعضی مهمات
و این سفر هم مقصود است لیکن نقشش محمود است و در این طبقه هم دلیل سفر
دارد و سفرهای نزدیک بسیار بکند و سفر نزدیک از سفر دور بهتر میکند و دلیل

سفر جج و مزارات بسیار که هم موجود است و ناحیت جنوب و مغرب مؤید
بود و بهتر بود مولود را اگر از هم خطر کمتر زاد مشرق و لی نزدیک
او دلالی این خانه دلالت کند بدین خوابهای صادق و حدیث درست
و در تعبیر و بودن مریخ با مشتری دلیل است که بعضی از فرخت خوابهای هر کس
پسندیده و از او دلالی این خانه هنگام دلالت کند به بهره مندی از علم نجوم یا بعضی علوم
عقلی و برجواری و حرمت و منفعت بسبب علم احکام خانه دهم این خانه دلالت
السلطان و هیبت الملک است و بدولت و قدر و شرف و مناصب السلطان تعلق
امور تعلق دارد اگرچه میان صاحب این خانه و صاحب طالع نظر نیست
چون صاحب طالع قویحال است سایر دلایل این خانه بهم اتصال دارند
و در طالع از قدر دلالت ثوابت اشاره و در سهم الملک و عاشر است مولود
بمکومت و منصب و ریاست قوی میرسد و چون اتصالات بنظر دارد
است بزرگ و عدالت و لقب شغل و عمل میرسد و از شغل و عمل مال بسیار آرد
و دلیل شغل و از واسطه خیر قویتر است و در علم حساب و وقف پیشه
و حسبه را خوب میشناسد و از اعمال و شرم باشد و دلیل شغل

وصاحب سهم الرجا قوی حال دلیل است که مولود شریف را امید با
بسهولت میسر گردد و دوستان صادق باشد و اکثر دوستان مطلع
مولود باشد و بهره مند از دوستان در اواسط عمر بسیار پیدا شود و بعضی
دوستان منقلب الاحوال باشند و آخر منافرت و قطع الفت منجر می شود
و سبب بعضی دوستان ضرر مالی هم میرسد احکام خانه دوازدهم
اینخانه بیت الاعداء است و دلیل است بر دشمنان و مخالفان و حسادت
و شقی و قرض دادن و کرهش و مکر حیله و ستوران کردستم و حبس و زندان
و تهمت بودن اکثر اولای اینخانه در مایل الاوتاد و دلیل است که مولود را
دشمنان بسیار باشد و چون متولی اینخانه از متولی طالع ساقط است
مولود شریف را با دشمنان اظهار عداوت کم بود و چون صاحب طالع
قوی تر از صاحب اینخانه است مولود از شر دشمنان ایمن باشد و مولود شریف
سقط نمی شود و دلیل است که مولود را از اقارب خود دشمنان باشد
و چون صاحب اینخانه با صاحب دهم مقابل است اعدای مولود در شرف
سلاطین و بزرگان باشد و سبب شغل عمل و تزویج و مال زوجه مولود را

دشمنان بر انچه شود و استاد ان نوشته اند که چون بود از اینجا اعدا
باشد مولود را دشمنان بسیار باشند و لیکن ضعیف باشند و بر او مسلط
نشوند و دلیلی بیت که مولود را حبس اتفاق افتد و بودن صاحب طالع
در خانه خود قوی حال دلیل است بر اینی از حبس و گرفتاری و نظر اعدات
صاحب اینخانه با ثانی و سهم العمر و در شکر و صاحب سهم در ثمانی دلیل قرض
بسبب امور سلطانی و شغال و اعمال و بودن مشتری در بیت دوم دلیل
مال بسیار و زوجه و بودن قرض و بودن اینخانه ذوجهین دلیل دوات
از انواع مختلف و بودن صاحب اینخانه در برج ثابت
دلیل بقاء و ثبات و دوام و مقابله مریخ دلیل قلق شدید
و نظر مشتری دلیل کمی مضرت از قلق و قلق مولود
از خیانات کردستم خصوصا استر
بیشتر از خیانات ستم
شکاف پیاشد
تم بخیر و انجاء

در بیان احکام جزئیه این احکام با احکام سابقه هرچه موافق است معتبر و هرچه
مخالف است اعتبار ندارد بودن اعدات در مقدم و خانه عطارد و وجه اول
و لو دلیلست که یکی از ازواجش غریب دزشت بود و مزاجش مایل برطوبت
بود و سخی و خوش عیش و سواری و صید دوست دارد و در جنگ و حصومت
و رجه باید و از کتابت و دبیری مطلع باشد و صاحب فهم و ذکا بود
بودن قمر در طالع خانه زحل و وجه سیم سرطان حسن المنظر و عاقل و بعید بود و خداوند
شرف و خلق بسیار بوی اتصال دارند و با و حاجتمند باشند و در ازدواج
و پیش از سی و دو سال باشد که بعضی از ازواج و اولاد تلف شوند و بعد از
مال بدست آرد و بزن و فرزند شاد شود و عادل منصف و دبیری دانا
و حرب دوست دارد و عالم خراج بود بودن زحل در پنجم و خانه عطارد
و دوم عقرب در بیت مزاج و در شهر خود محترم بود و از اشراف و اخیار
خیر باید باشد که از بعضی زنان رنج کشد و بمیرگان خود را پسند و فاضل
و معروف در وطن خویش بودن مشتری در دوم و خانه زحل و وجه دوم
فاید ها یابد از دوستان و زیردستان و اعدا او را کردن نهند و در اسرار

نبات دهد و عاقبتش بخیر بود و عالم علوم باریک و هندسه و هندسی
نیکو داند و طرح بنا خوب بیندازد احکام بودن کواکب و خانه یکیک آفتاب در خانه
زحل بسیار مال و نیکو تدبیر بود و یکبه فحه خطر عظیم بیند و نبات باید ضیاع
و عقار را مالک شود و قمر در خانه خویش با هر کس خصومت کند بوی ظفر
یابد و حکیم و دانا باشد زحل در خانه مریخ مزاج کوی شود و در بعضی کارها
خود سستی کند مشتری در خانه آفتاب نیکو مزاج و لطیف همت باشد
مریخ در خانه آفتاب از علم سلاح و جواهر شناسی بهره مند شود زهره
در خانه زحل خداوند رای و تدبیر بود و از جهت زنی مال یابد و آن
زن را دوست دارد و عطارد در خانه زحل زیرک و صاحب نکته
و از علوم دقیقه بهره مند باشد احکام نظرات کواکب زحل بتربیع مشتری بعضی
مالهای اوقاف شود و از بعضی امور رنج بیند زحل بتربیع آفتاب خویشان
بدوی خصومت کنند مشتری بقران مریخ کریم و بزرگوار بود و با ارباب سلاح
و هرا موافقت کند مشتری بمقابله آفتاب پدرش جاهی و رفعتی یابد الا
غرامتی و بندی از جهة عمل سلطان بوی رسانیکند مشتری بمقابله عطارد فضله

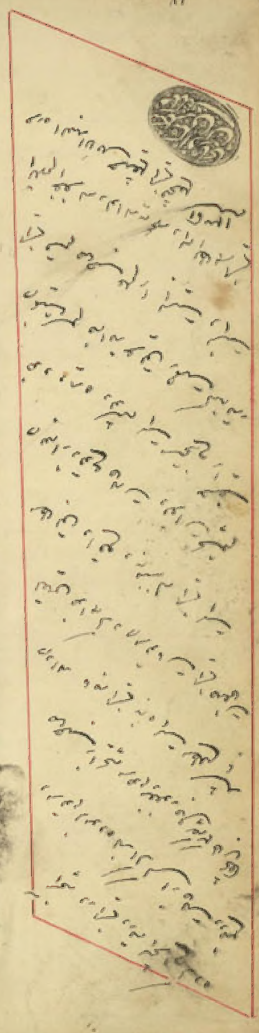

رای و فهم و حدس بود و با امور حساسه دخل و تصرف کند و بود که
سفری کند و در آن سفر کار او بلند شود و مریخ بمقابله عطارد از بعضی زنان
کدورت بیند زهره بتدبیر زحل سخن گوی و پاکیزه نفس و بنات و نانها
بود و حیات بکوشد

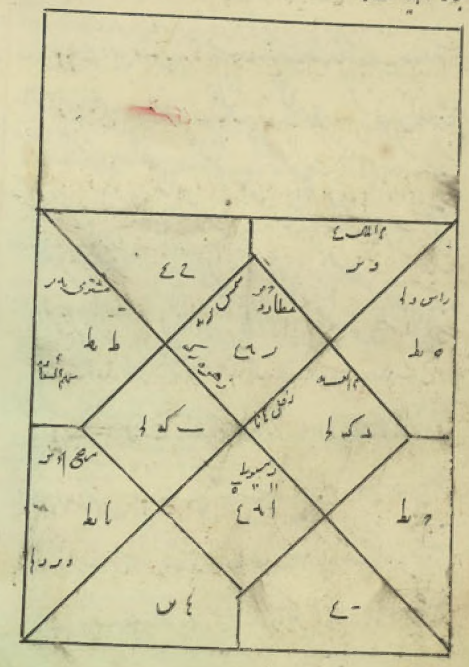
آفتاب ۷
زحل
مشتری ۵
راس و ذ
عطارد ۵
ط ط
ه ط
ط ط
ه ط
ط ط
ه ط

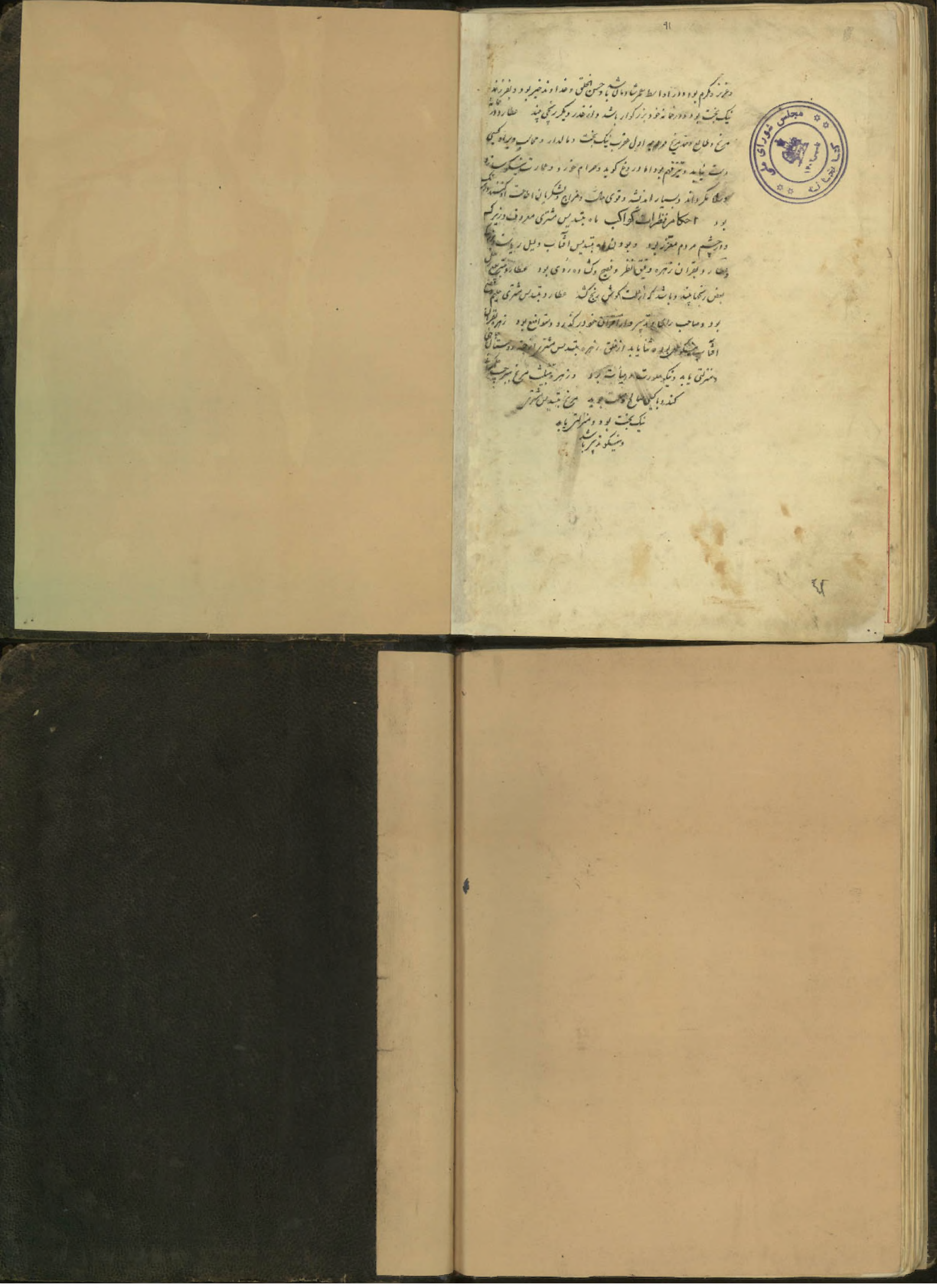

مجلس شورای ملی
کتابخانه

و عزیز و مکرم بود و در اواسط عمر شادمان باشد و حسن الخلق و خداوند خیر بود و بفرزند
نیک بخت بود و در خانه خود بزرگوار باشد و از غدر دیگر رنجی بیند عطارد در خانه
مریخ و طالع و حد مریخ مرد چه اول عقرب نیک بخت و مالدار و محاسب و بیراه کسی
دست نیابد و تیز فهم بود اما دروغ گوید و حرام خورد و عمارت نیکو سازد
و سلاح نگرداند و بسیار اندیشه و قوی حال و مزاج و لشکریان اطاعت او کنند و در جنگ
بود احکام نظرات کواکب ماه بتسدیس مشتری معروف و زیرکم
و در چشم مردم معزز بود و بودن ماه بتسدیس آفتاب دلیل ریاست و بزرگی
و عطارد بقران زهره دقیق النظر و فصیح و گشاده روی بود عطارد بتربیع زحل
بعض رنجها بیند و باشد که از علت گوش رنج کشد عطارد بتسدیس مشتری حلیم و فصیح
بود و صاحب رای و تدبیر و از اقران خود در گذرد و متواضع بود زهره بقران
آفتاب نیکو عمل بود و ثنا یابد از خلق زهره بتسدیس مشتری از جهت دوستان
و منزلتی یابد و نیکو صورت و هیأت بود و زهره بتثلیث مریخ بر جیب حکمرانی
کند و با کسی صالح و صلت جوید مریخ بتسدیس مشتری
نیک بخت بود و منزلتی یابد
و نیکو تدبیر باشد